



## The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۳ autumn ۲۰۲۲

امکان سنجی فقهی و حقوقی الغای کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی

در حقوق ایران با تاکید بر رویه قضایی.

جبرائیل نوظهورامنا<sup>۱</sup> آناهیتا سیفی<sup>۲</sup> رضا فانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸

### چکیده

مجازات اعدام از چالش برانگیزترین مباحث حقوقی است. برخی از نظام‌های حقوقی تحت تاثیر اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای، این مجازات را ملغی نموده‌اند ولی بعضی دیگر همچنان آن را در قبال جرایم مهم اعمال می‌کنند و وحدت نظری در الغای کلی آن در سطح جهان حاصل نشده است. لذا با توجه به اهمیت کیفر اعدام، این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این سوال می‌باشد، که آیا امکان الغای کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام حقوقی ایران وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مبانی قانونی در جرم انگاری و کیفرگذاری مجازات اعدام در جرم مزبور، مبتنی بر عنوان کلی حد افساد فی الارض است و از موازین فقهی متقنی برخوردار نیست. مضافاً رویه قضایی نیز در رسیدگی به جرم مزبور با چالش‌هایی از قبیل ابهام در مصادیق، عدم همخوانی سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی، تحدید موازین دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهمان مواجه است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که با لحاظ قواعد و اصول فقهی و حقوقی از جمله اصل احتیاط در دماء، قاعده دراء، اصول حاکم بر حقوق کیفری و لزوم توجه به موازین حقوق بشری، کیفر اعدام به عنوان پاسخ کیفری سرکوبگرانه می‌بایست استثنا و محدود به مهمترین موارد گردد و نباید با تفسیری موسع، دامنه آن را توسعه داد.

کلمات کلیدی: جرایم اقتصادی، اعدام، اخلال، افساد فی الارض.

jabraiInozohour@gmail.com

a.seifi@atu.ac.ir

drfa@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار حقوق بین الملل، گروه مطالعات حقوق زنان دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

مقدمه:

## ۱- طرح موضوع

هر جامعه‌ای در پاسخ به رفتار نامطلوب و در قبال نقض هنجارها و ارزش‌های تثبیت شده مجموعه‌ای از محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. و با تدوین و تصویب قانون، نظام عدالت کیفری تعیین می‌کند که چه رفتارهایی جرم محسوب می‌شوند و در عین حال مجازات‌هایی را نیز برای ارتکاب این جرایم تعیین می‌کنند. بنابراین مجازات‌های است در دست متولیان سیاست جنایی تا از طریق آن و با برقراری نظم و امنیت از حقوق شهروندان و جامعه محافظت نماید. یکی از این مجازات‌ها که از پیشینه تاریخی طولانی دارد کیفر اعدام است. و همچنان یکی از بحث برانگیزترین موضوعات اختلافی می‌باشد. که مخالفان و موافقان<sup>۱</sup> هر یک با اتکا بر دلایل خود استدلال‌هایی را بیان نموده‌اند و اتفاق نظری در عدم بکارگیری آن وجود ندارد. به گفته منابع، هنوز کشورهای هستند که سالانه هزاران نفر را اعدام می‌کنند و اجماعی بر الغای آن وجود ندارد. (Galappaththige, ۲۰۱۸, p:۱۸). صرف نظر از اینکه ادله کدام یک از استحکام بیشتری برخوردار است. نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف جهان در قبال این کیفر دیدگاه‌های متفاوتی دارند. هر چند بسیاری از کشورها آن را از سیاهه مجازات‌ها کنار گذاشته شده است لیکن برخی دامنه این کیفر را محدود به جرایم مهم نموده‌اند و در زرادخانه نظام عدالت کیفری خود آن را حفظ نموده‌اند به عنوان مثال در پرجمعیت‌ترین کشور جهان (چین) سالانه هزاران نفر اعدام می‌شوند و در ایالات متحده آمریکا مرتب از کیفر اعدام بهره گرفته می‌شود به نحوی که هنوز در ۳۲ ایالت، مجازات اعدام وجود دارد. (TaraDwayne, ۲۰۱۵, p:۱۹۹). با نگاهی به روند الغای کیفر اعدام در ملل مختلف دنیا ملاحظه می‌شود که هنوز ۸۴ کشور جهان مجازات اعدام را اجرا می‌کنند ولی روند بکارگیری آن رو به کاهش است. و این احتمال وجود دارد که تحت تاثیر فشارهای بین‌المللی به تدریج در سایر کشورها نیز بر لغو اعدام اثر بگذارد. (Richard, ۲۰۰۲, p:۱). از طرفی دیگر، سازمان ملل متحد با وضع اسناد بین‌المللی الزام‌آور همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع شکنجه و... به دنبال ایجاد رویه بین‌المللی در راستای الغا و یا ایجاد محدودیت در اعمال کیفر اعدام می‌باشند.

حقوق اسلام نیز بر اساس مبانی برگرفته از قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل، کیفر اعدام را در مورد جرایم متعددی پیش‌بینی نموده است. هر چند مبانی آن در این نظام با سایر نظام‌های حقوقی و ادیان الهی<sup>۲</sup> متفاوت می‌باشد. نظام عدالت کیفری ایران نیز با الهام از فقه اسلامی در قوانین موضوعه خود با جرم انگاری برخی از جرایم، در فرآیند کیفرگذاری و کیفردهی خود از مدل سختگیرانه محض بهره گرفته، و کیفر اعدام را به عنوان شدیدترین پاسخ کیفری در واکنش به مرتکبان در نظر گرفته است. یکی از این جرایم مهم «اخلال در نظام اقتصادی کشور» می‌باشد. در سالیان اخیر، با افزایش لجام گسیخته جرایم اقتصادی در کشور موجب از احساس ترس و نا امنی اقتصادی در مردم و سیاست‌گذاران سیاست جنایی ایجاد و برخورد قاطع و سریع با اخلال‌گران در نظام کشور تبدیل به خواسته عموم گردید که در پی آن با درخواست استعجازه رئیس وقت قوه قضائیه از مقام معظم رهبری، آیین‌نامه

<sup>۱</sup> جهت ملاحظه دیدگاه‌های مخالفان و موافقان کیفر اعدام به منبع زیر رجوع شود

- میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل مچاپ هفتم، نشر میزان.

<sup>۲</sup> کیفر اعدام مختص دین اسلام نمی‌باشد بلکه در سایر ادیان الهی دارای سابقه است. به عنوان مثال در دین مسیح، مسیحیان اولیه مجازات اعدام را مورد پذیرش قرار داده بودند. و در قبال ۳۶ جرم بزرگ که به ۱۳ عمل ناشیاست تقسیم می‌گردید مجازات مرتکبان اعدام بوده است. (Giulio, ۲۰۱۶, p:۲).

اجرائی دادگاه‌های ویژه اقتصادی به تصویب رسید و با اصلاحاتی بعدی به عمل آمده، تاکنون به عنوان مبنای اصلی در رسیدگی به این نوع از پرونده‌ها قرار گرفته است. و نسبت به برخی از محکومین که اتهام آنها اخلاف در نظام اقتصادی از کیفر اعدام به عنوان شدیدترین ضمانت اجرا بهره گرفته‌اند تا بلکه ثبات اقتصادی در کشور برقرار شود.

## ۲- اهداف پژوهش

پژوهش پیش رو، از نظر هدف کاربردی می‌باشد که با بررسی ماهیت و مبانی فقهی و حقوقی کیفر اعدام در جرم اخلاف در نظام اقتصادی کشور به دنبال دست آوردن یک دید کلی و جامع و توصیف محدودیت‌های فقهی و حقوقی موجود در مبانی جرم‌انگاری و کیفرگذاری کیفر اعدام و امکان سنجی الغای آن و ارائه راهکارهای عملی در جهت جایگزینی کیفری مناسب و متناسب که ضمن حفظ امنیت اقتصادی در کشور با اهداف مجازات‌ها نیز سازگارتر باشد

## ۳- جنبه نوآوری

با نگاهی به پیشینه تحقیق مشاهده می‌شود که، پژوهشگران ایرانی در تحقیقات خود، اساساً به امکان سنجی الغای کیفر اعدام و حتی میزان کارایی آن در جرایم اقتصادی نپرداخته‌اند و عموماً تعریف و مستندات فقهی و ابعاد جرم شناختی آن مورد توجه واقع شده است. ولی پژوهش پیش رو برای نخستین بار، ضمن توجه به مبانی فقهی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری در خصوص الغا یا ابقاء مجازات اعدام، و نقد و ارزیابی برخی از احکام صادره از محاکم ویژه اقتصادی که از جنبه‌های نوآورانه آن محسوب می‌شود سعی دارد، تا با نگاهی انتقادی، رویکرد نظام عدالت کیفری ایران و رویه قضایی حاکم در قبال کیفر اعدام در جرم اخلاف در نظام اقتصادی و چالش‌های فراروی آن را با دقت تبیین و سپس راهکارهای عملی برای برون رفت از معضلات این مجازات را به سیاست‌گذاران سیاست جنایی در اتخاذ راهبردهای مدرن در کیفرگذاری و کیفردهی خردمند، هدفمند و منطبق با سیستم حقوقی کشور ارائه دهد.

## ۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای معتبر، در پی پاسخ به این سوال اصلی است که آیا در نظام حقوقی ایران، در مقام کیفرگذاری و کیفردهی امکان الغای کیفر اعدام در جرم اخلاف در نظام اقتصادی کشور وجود دارد؟ به منظور پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی در بخش نخست، به بیان مفهوم جرم اخلاف در نظام اقتصادی و مبانی فقهی کیفر اعدام در این جرم پرداخته است. بخش دوم مقاله به رویکرد اسناد بین‌المللی حقوق بشری و انطباق سیاست جنایی ایران در قبال مجازات اعدام در جرم اخلاف در نظام اقتصادی با اسناد مزبور اختصاص یافته است. و در بخش سوم، برخی از چالش‌های موجود در رویه قضایی محاکم رسیدگی کننده در مواجهه با مجازات اعدام را واکاوی می‌کند. و پس از نتیجه‌گیری، راهکارهای لازم ارائه خواهد شد.

## ۱- مفهوم و مبانی فقهی مجازات اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی.

در بحث زیر ابتدا مفهوم اخلال در نظام اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به صورت مختصر به واکاوی ماهیت و مبانی فقهی کیفر اعدام در این جرم خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- مفهوم جرم اخلال در نظام اقتصادی.

کلیه جرایم اقتصادی به نحوی موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند اما وقتی عبارت اخلال در نظام اقتصادی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، منظور آن دسته از جرایمی است که در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحی ۱۳۸۴ مطرح می‌باشد. برخی با توجه بر مقرر مزبور، جرم اخلال را هریک از فعالیت‌های ارتکاب یافته از قبیل قاچاق عمده ارز، ضرب سکه تقلبی، جعل اسکناس، گران‌فروشی، احتکار، فعالیت‌های غیر مولد هرمی، جذب وجوه کلان از اشخاص به صورت سپرده که منجر به حیف و میل سپرده‌ها یا نابسامانی در نظام اقتصادی کشور شود، فعالیت‌هایی که ایجاد انحصار یا کمبود یا نابسامانی عمده در عرضه کالاهای مورد نیاز عمومی نماید، فعالیت‌های مخل نظام تولیدی کشور، ایجاد نابسامانی در نظام صادراتی کشور به صورت بانندی و تشکیلاتی، اقدام برای خارج کردن میراث فرهنگی و ثروت‌های ملی از کشور و هر فعالیتی که منجر به ایجاد نابسامانی عمده در رویه‌های اقتصادی، مالی، ارزی، تولیدی و صادراتی کشور گردد و ثروت‌های ملی را در معرض خروج از کشور یا نابودی قرار دهد (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۹۲). قانونگذار در ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور جرمی را تحت عنوان عام اخلال در نظام اقتصادی کشور جرم‌انگاری کرده است و سپس اخلال را به صورت مصداقی و به تعبیر دقیق‌تر، روش‌های تحقق اخلال و نه خود مفهوم اخلال را تعریف نموده است. یعنی چند عنوان عام را در ۷ بند و برای هر عنوان مصداقی را در قالب، اخلال در نظام پولی و ارزی، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور و اخلال در نظام اقتصادی و... آورده است. که البته این مصداقی تمثیلی هستند و تمام مصداقی ذکر شده در ماده مزبور به صورت مستقل از این قانون در قوانین دیگر نیز جرم‌انگاری شده است. و عنوان مجرمانه مستقلی دارند. به عنوان مثال جرم قاچاق کالا و ارز و یا جعل اسکناس و... ولی چنانچه مرتکب این رفتارها را به صورت عمده و یا گسترده انجام دهد در عنوان و به اصطلاح انقلاب در عنوان مجرمانه صورت می‌گیرد.

### ۱-۲- مبانی فقهی کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی

در بحث زیر به بررسی مختصر ماهیت و مبانی فقهی کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی می‌پردازیم و نکات ضعف و قوت هر یک از نظریات را تبیین خواهیم نمود.

#### ۱-۲-۱- تعزیری بودن

برخی ماهیت مجازات اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور را از نوع تعزیری محسوب نموده‌اند. و عقیدند که حاکم شرع مبسوط الید است و قید التعزیر دون الحد مانع از تعزیری بودن این جرم نخواهد بود. و حاکم شرع می‌تواند برای رفع فتنه و از بین بردن ریشه فساد، عملی را جرم‌انگاری و برای آن حتی کیفر اعدام در نظر بگیرد و این دیدگاه مورد تایید قرآن و سنت و عقل است. (کمیلی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۸). مطابق این نظریه اساس مشروعیت مجازات اعدام در جرایم تعزیری به قاعده فقهی التعزیر و به ما یراء الحاکم بر می‌گردد که حاکم هیچ گونه محدودیتی در تعیین کیفر ولو اعدام برای جرایم تعزیری ندارد و اصل بر آن است که تعزیر مقدار مشخصی ندارد بر این نظریه ایرادات اساسی وارد می‌باشد چرا که از یک طرف مغایر با مبانی فقهی

اعدام تعزیری است. و به دلایل زیر نمی‌توان اعدام را هم مشمول اختیارات حاکم قرار داد. عبارات یاد شده در مقام بیان معین نبودن میزان تعزیر در شرع و معین نبودن و واگذاری آن به نظر حاکم ملازمه با عدم محدودیت ندارد و شاید با وجود واگذاری آن در ناحیه‌ای حداکثر قائل به محدودیت باشیم. ۲- اصل احتیاط در دماء و نفوس اقتضاء می‌کند که با تردید در شمول تعزیر بر اعدام، به عدم شمول نظر دهیم. بنابراین تا جواز تعزیر با اعدام به دلیل قطعی ثابت نشود این قاعده چنین مفادی ندارد. اصل عدم ولایت هم مانع از توسعه در اختیارات حاکم به موارد مشکوک است (ساریخانی، ۱۳۹۳، ص ۱۹). مضافاً در فقه اسلام قاعده فقهی دیگری بنام «التعزیر بما دون الحد» نیز وجود دارد این قاعده بر این امر دلالت دارد که، حداکثر تعزیر باید کمتر از حد باشد و شامل اعدام نمی‌شود چنان که برخی بر همین اساس و در تبیین مفاد قاعده یاد شده آورده‌اند: «هیچ کس را نمی‌توان از طریق تعزیر اعدام کرد و یا کسی را نمی‌توان از باب تعزیر حبس ابد کرد» (همان، ص ۱۹). مجازات اعدام با فلسفه مجازات‌های تعزیری که همانا اصلاح و تربیت و بازپروری بزهکار است همخوانی و همسویی ندارد. و یکی از مهمترین تفاوت‌های مجازات‌های حدی و تعزیری در این است که حدود نسبت به همه بزهکاران ثابت می‌باشد ولی در مجازات‌های تعزیری قاضی با توجه بر ویژگی‌های شخصیتی بزهکاران مجازات تعزیری مناسب و متناسبی را با توجه بر قانون و شرایط هر پرونده برای بزهکار تعیین می‌کند و اصلاح و بازپروری و مساعدت در بازگشت مرتکب به اجتماع نیز مد نظر می‌باشد امری که در کیفر اعدام امکان‌پذیر نیست و برخی بر این باورند که از تاثیر تربیتی مجازات اعدام به طور کلی باید مایوس بود زیرا، بازپروری اصولاً با اجرای این قبیل مجازات‌ها منافات دارد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۳۶). ضمن آنکه قانونگذار در ماده ۱۹ ق م ا، در درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری به کیفر اعدام اشاره‌ای نکرده است.

#### ۱-۲-۲- حدی بودن از باب افساد فی الارض

یکی از مهمترین نظریات در خصوص ماهیت اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، حدی<sup>۱</sup> بودن آن به لحاظ افساد فی الارض می‌باشد. در خصوص مبانی فقهی عنوان افساد فی الارض که آیا عنوان مستقلی از حد محاربه دارد یا این دو، عنوان واحدی هستند اختلاف نظر بنیادی میان فقها و مفسرین و حقوقدانان وجود داشته و دارد. یکی از محکمترین منابع استنادی جرم افساد فی الارض آیات و نصوص قرآنی است. بسیاری از فقهای امامیه آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه مائده را به دلیل تصریح شارع مقدس به عبارت افساد فی الارض مستند جرم انگاری آن قرار داده اند. ولی به جهت استنباط و برداشت متفاوت از آیات مزبور در خصوص ماهیت، گستره ی مجازات عنوان جزایی مزبور دچار اختلاف شده‌اند (گلپایگانی موسوی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۹). هرچند برخی معتقدند که آیه ۳۲ در مقام بیان جرم انگاری مستقلی از عنوان افساد فی الارض و میزان و نوع مجازات مفسدان نیست. بلکه بر قبح و زشتی رفتار آنان تصریح دارد (همان، ص ۳۸۲). و با این اوصاف هر افساد فی الارضی نمی‌تواند مجوز اعدام باشد بنابراین قدرمتیقن از آیه شریفه ۳۲ مائده آن است که به قرینه آیه بعد تفسیر شود مستند دیگر آیه ۳۳ سوره شریفه مائده است که می‌فرماید: «انما جزاء الذین یحاربون اهلل والرسوله ویسعون فی الارض فسادا...» «در تفسیر آیه فوق اشعاری، برخی اعتقاد دارند که آیه به دو فعل و فاعل مستقل اشاره نداشته است بلکه تنها به یک فعل که عبارت از محاربه با خدا و رسول از طریق ایجاد فساد در زمین اشاره دارد در تحریر الوسيله هم قصد و نیت افساد فی الارض لازمه شمول محاربه دانسته شده است (الموسوی الخمینی،

<sup>۱</sup> برخی از فقهای شیعی اجرای کیفر اعدام به عنوان حد شرعی، را از اختیارات اختصاصی معصوم (ع) می‌دانند، برابر این فتوا، فقیه اختیار اجرای حدود به گونه ای که در شرع مقرر شده است را ندارند (محقق داماد، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷). و به عبارتی در این دیدگاه، در عصر غیبت مجازات‌های تعزیری متناسب با مقتضیات زمان و مکان را بایستی جایگزین نمود. (محقق قمی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۶).

۱۳۹۷، ص ۴۹۲). در مقابل عده‌ای معتقدند که افساد فی الارض عام‌تر از محاربه می‌باشد. به گونه‌ای که محاربه فقط یکی از عناوین افساد فی الارض است و این دسته از فقها که قائل بر جدایی جرم افساد از محاربه هستند، ولی حد معینی برای آن معین نکرده‌اند (میر خلیلی، ۱۳۹۸، ص ۹۴). دقت در آیه شریف روشن می‌گردد که علت تامه انواع حدودی که در آیه شریفه آمده است آن است که مجرمین مذکور مرتکب سعی در فساد فی الارض شده‌اند. پس در هر موردی که این علت محقق شود همان مجازاتها نیز محقق خواهد شد. زیرا هر معلولی در سعه و ضیق خود دائر مدار وجود خود می‌باشد (مومن قمی ۱۴۱۵ ه ق: ص ۴۱۰). البته بر این نظر این ایراد وارد است که حد محاربه یکی از چهار مجازات مقرر در آیه شریفه می‌باشد و کیفر اعدام فقط یکی از آنها محسوب می‌شود در حالی که حد افساد فی الارض صرفاً کیفر اعدام می‌باشد. کما اینکه فقهی دیگر چنین آورده است که، بنابراین در جرایم نمی‌توان یک عنوان کلی مقول به تشکیک را موضوع مجازات قرار داد و همه آنها را مشمول احکام چهارگانه مذکور در آیه قرار داد. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳، صص ۲۳ و ۲۲). بنابراین استناد به آیات فوق در جواز کیفر اعدام برای عنوان افساد فی الارض در نزد برخی فقها و حقوقدانان محل تردید می‌باشد هر چند در کنار آیات قرآنی به مبانی فقهی<sup>۱</sup> دیگر نیز استناد می‌شود که به جهت رعایت ایجاز در کلام به آن نمی‌پردازیم.

قانونگذار در ۱۳۹۲، بدون توجه بر مبانی فقهی، در ماده ۲۸۶ ق. م. ا، افساد فی الارض را به عنوان یک جرم مستقل حدی وارد ادبیات حقوقی ایران نموده است. و صرف نظر از ضعف در مبانی فقهی افساد فی الارض و اختلاف نظرهای فقهی بحث برانگیز موجود، تسری این عنوان بدیع به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور به عنوان مصداقی از افساد و شمول کیفر اعدام بر مرتکبان این جرایم نیز خود بسیار چالش برانگیز است. و پیامدهایی مانند نقض حقوق اقتصادی و آزادی‌های افراد و غلبه مدل کیفرگذاری سرکوبگراییانه بر کیفرگذاری هدفمند را در پی دارد. در حالی که کیفرهای بی‌قاعده موجب عدم تامین اهداف مجازات و تاثیرات نامطلوب و معکوس بر بزه‌کار دارد (حاجی ده آبادی، سلیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱).

## ۲- جایگاه اسناد حقوق بشری در خصوص کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور

اسناد بین‌المللی از مهمترین ابزارهای جهانی سازی استانداردهای حقوق بشری محسوب می‌شوند. در این اسناد به موازین مهم حقوق بشری راجع به مسائل کیفری پرداخته شده است و زمینه‌های تحول در حقوق کیفری کشورها در فرآیند جرم‌انگاری و کیفرگذاری و پاسخ‌دهی به جرایم را نیز فراهم نموده است. در این بین سازمان ملل متحد نقش محوری دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق کودک و... امروزه بخش مهمی از موازین عرف بین‌المللی را تشکیل می‌دهند که صرف نظر از میزان پای‌بندی حکومت‌ها به آنها، نقش اساسی در ایجاد استانداردهای بین‌المللی عدالت کیفری داشته‌اند. از طرف دیگر این نهاد بین‌المللی از طریق مجموعه‌ای از اسناد و رهنمودهای ارشادی در امور مختلف کیفری از جمله اجرای مجازات اعدام، اصول پیشگیری از اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و بدون محاکمه، نقش اساسی در تبیین و تعیین استانداردهای اجرای عدالت کیفری داشته است. (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۸۳). بنابراین با نهادینه شدن رژیم بین‌المللی حقوق بشر و گسترش هنجارهای حقوق بشری مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر افزایش یافته است (Caroline L, ۲۰۱۵, p: ۱۶۴) اعمال مجازات اعدام در دیدگاه اسناد حقوق بشر بین‌المللی نقض برخی از حقوق بشر تضمین شده بین‌المللی مانند حق بر عدم محرومیت خودسرانه از حیات و

<sup>۱</sup> - جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله،

مجاهد، محمد ابراهیم و همکاران (۱۳۹۹). کفایت مستندات فقهی و ادله متعارف جرم‌انگاری افساد فی الارض، فصلنامه فقه، حقوق و علوم جزاء، دوره ۵، شماره ۱۷، ص

طیفی از حقوق رویه‌ای خاص می‌شود که در هر مورد که مجازات اعدام اجرا می‌شود باید رعایت شوند مانند قرار نگرفتن در معرض رفتار یا مجازات غیر انسانی یا تحقیرآمیز حق بر محاکمه عادلانه حق برابری و عدم تبعیض و آزادی عقیده و بیان و... (Andrew, ۲۰۰۹, p:۳۲). از طرفی حق حیات در قانون اساسی اکثر کشورها پذیرفته شده است.

به طور کلی اسناد بین‌المللی دو رویکرد در مواجهه با مجازات اعدام دارند. برخی دنبال الغای<sup>۱</sup> این مجازات هستند و برخی دیگر در صدد اعمال محدودیت<sup>۲</sup> در اعمال این کیفر می‌باشند در بحث زیر به اختصار انطباق جرم اخلال در نظام اقتصادی در نظام عدالت کیفری ایران را با مفهوم مهمترین جرم به عنوان مبنای برای تجویز این مجازات در قبال مرتکبان این جرایم و همچنین قانونی بودن دادگاه صالح در رسیدگی کیفری به جرم مزبور را از منظر مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که موازین حقوق بشری در این کنوانسیون در حقوق بین‌الملل از جایگاه خاصی برخوردار و مقررات ویژه‌ای راجع به کیفر اعدام دارد مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲-۱- جرم اخلال در نظام اقتصادی و مفهوم «مهمترین جنایات» مقرر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

بنیادی‌ترین سند بین‌المللی تحدیدکننده کیفر اعدام میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. که در سال ۱۹۹۶ تصویب گردیده و ترجمان بخشی از اصول مندرج در اعلامیه جهانی، و نخستین تلاش جدی برای محدود نمودن مجازات اعدام به شمار می‌رود. مفاد میثاق برای طرف‌های متعاقد صرفاً مشورتی نیست بلکه مقررات قانونی آن کاملاً الزام‌آور می‌باشد بسیاری از کشورهایی که هنوز مجازات اعدام را در سیاهه قوانین خود حفظ کرده‌اند استدلال می‌کنند که مجازات اعدام در نظام حقوقی آنها مطابق بند ۲ ماده ۶ میثاق می‌باشد و ادعا می‌کنند که اعمال این کیفر برای جدی‌ترین جرایمی است که امنیت ملی آنها را تهدید می‌کند (Kartika Putri, ۲۰۲۰, p:۴۲۰). با این وجود میثاق، هرگز به صراحت مفهوم جدی‌ترین جرایم را مورد بحث قرار نداده است و توسط هیچ سندی تعریف نشده است (William, ۲۰۰۲, p:۳۷۳). برای سنجش دقیق مفهوم آن از منظر میثاق، باید با استفاده از تفسیر، دامنه این نوع از جرایم را بررسی نمود در برخی موارد، جدی‌ترین جرایم، جرایم عمدی با عواقب بسیار کشنده تفسیر می‌شود. بعضاً نیز پیامدهای بسیار شدید به عنوان مواردی توصیف شده است که زندگی را به خطر می‌اندازد به گونه‌ای که محرومیت از حیات بسیار محتمل می‌باشد. البته این نوع تفاسیر از بند ۲ ماده ۶ میثاق ممکن است که سایر جرایمی که از وخامت بسیاری برخوردار است را نادیده بگیرد. به طور کلی. در تفسیر دامنه جدی‌ترین جرایم در چهار چوب بند ۲ ماده ۶ میثاق دو دیدگاه متضاد وجود دارد. دیدگاه نخست، براین مبنا استوار است که، جدی‌ترین جرایم که میثاق حدودی را برای اعمال مجازات اعدام در نظر گرفته است می‌بایست به صورت محدود و به معنای عمدی باشد. و شامل جنایات کشنده و بسیار سنگین که پیامدهای آن منجر به تلفات جانی شود. دیدگاه دوم که نشان دهنده تمایل دولت‌ها در تفسیر موسع و مجاز از جدی‌ترین جرایم به منظور حفظ منافع و امنیت ملی و اعمال کیفر اعدام در قبال این نوع از جرایم می‌باشد. (Kartika Putri, Ibid, ۴۲۱).

<sup>۱</sup> - از جمله اسناد بین‌المللی الغاگر اعدام می‌توان به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (مصوب ۱۹۹۸). و سند مهم دیگر در زمینه الغای کیفر اعدام پروتکل دوم اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و از سال ۱۹۹۱ لازم الاجرا گردیده است. و سند بین‌المللی دیگر در الغای کیفر اعدام کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد که در سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. قانونی بر آن مترتب نمی‌باشد

<sup>۲</sup> - شناخته شده‌ترین سند حاکم بر حقوق بشر و محدود کننده مجازات اعدام، اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. اعلامیه مزبور نقش مهمی در پیشرفت مبانی حقوق بشر در سطح جهانی داشته است. و اگرچه در آن سخنی از مجازات اعدام به میان نیامده است ولی حاوی مواد مهمی در مورد حق زندگی می‌باشد. که در ماده ۳ بر حمایت از حق حیات تاکید شده است. (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۱، ص ۳۹۸).

موضوع انطباق سیاست کیفری ایران در توسل به کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور با مقررات پیش‌بینی شده در میثاق، نیازمند تحلیل این امر است که اساساً جرم اخلال در نظام اقتصادی که گاه در سطح وسیع ارتکاب می‌یابد و آثار مخرب و زیانباری بر نظم عمومی و امنیت سیاسی- اقتصادی کشور برجای می‌گذارد، منطبق بر مفهوم «مهمترین جنایات» مقرر در بند ۲ ماده ۶ میثاق می‌شود؟ کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۲۱ طی قطعنامه شماره ۴۲/۲۴ ضمن درخواست شفافیت از کشورها در اعمال مجازات اعدام دولت‌ها را به عدم اعمال مجازات اعدام درباره جرایم اقتصادی که شدید و مهم نیستند دعوت نموده است (U.N.Doc, ۲۰۲۱, p۱). قطعاً در برخی موارد، که جرایم اقتصادی در سطوح گسترده و وسیعی ارتکاب می‌یابد، به گونه‌ای که کل موجودیت و امنیت اقتصادی کشور را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. به نظر این امکان وجود دارد که مفهوم مهم‌ترین جنایات را در بعضی موارد بر اخلال در نظام اقتصادی نیز منطبق دانست و در نتیجه، اعمال مجازات اعدام در خصوص این جرم را توجیه نمود ولی از آنجایی که تجویز مجازات اعدام در میثاق امری استثنایی است و استثنا را نباید به گونه‌ای تفسیر نمود که دامنه شمول کیفر اعدام در جرایم اقتصادی گسترش و به موارد دیگری تعمیم داده شود.

## ۲-۲- قانونی بودن دادگاه صالح در رسیدگی به جرم اخلال در نظام اقتصادی در حقوق کیفری ایران

در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوقی بشری بر قانونی بودن تشکیل دادگاه‌ها تأکید شده است از جمله در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که مقرر می‌دارد که، رسیدگی به دعاوی مدنی و اتهامات کیفری نباید توسط نهادهای سیاسی، یا مراجع اداری تابع دستورالعمل، استماع و تصمیم‌گیری شود بلکه باید توسط دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف که به موجب قانون تأسیس شده است مورد رسیدگی قرار گیرد. و منظور از دادگاه صالح نیز دادگاهی می‌باشد که دارای مشروعیت لازم باشد در نظام عدالت کیفری ایران، قوه قضائیه یکی از کنشگران رسمی و مهم در فرآیند کیفرگذاری و کیفردهی در رابطه با جرایم اقتصادی محسوب می‌شود. از مهم‌ترین تصمیمات این قوه می‌توان به آیین‌نامه اجرایی، نحوه رسیدگی به جرایم اخلال‌گران در نظام اقتصادی اشاره کرد. این قوه در سال ۱۳۹۷، طی استجازه‌ای ۱۲ بندی از مقام معظم رهبری، تقاضای تخصیص شعبی از دادگاه انقلاب به عنوان دادگاه‌های ویژه جهت برخورد قاطع و سریع با اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی را نمود. که پس از موافقت ایشان، آیین‌نامه اجرایی این دادگاه‌ها در ۱۳۹۷، به دادگستری‌های کل کشور ابلاغ شد و هر چند صلاحیت این دادگاه‌ها محدود به جرایم پیش‌بینی شده در قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور و ماده ق. م. ا، (اخلال شدید در نظام اقتصادی) می‌باشد ولی یکی از اصولی که شاخصه اصلی دادرسی منصفانه و در حقیقت بنیان اصلی این پهنه را تشکیل می‌دهد. عبارت از اصل قانونی بودن آئین دادرسی کیفری است که مبنای تقنینی آن در اصل ۳۶، قانون اساسی ریشه‌مند است. به موجب این اصل، تمامی اقدامات و تدابیر اتخاذی در پهنه فرآیند کیفری از لحظه آغاز (کشف جرم تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای حکم باید به موجب قانون باشد موضوع تخصیص شعبی از دادگاه انقلاب جهت رسیدگی به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور و صلاحیت‌های آن بر مبنای استجازه رهبری و آیین‌نامه‌های اجرایی آن از حیث قانونی بودن فعالیت آن، محل اختلاف میان برخی از حقوقدانان می‌باشد برخی مبنای استجازه را از لحاظ فقهی، حکم حکومتی مقام رهبری و اعمال ولایت امر، و از حیث حقوقی اصل ۵۷ قانون اساسی را مستند استجازه دانسته‌اند و معتقدند که می‌توان با استناد به بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و در راستای حل معضلات نظام آن را توجیه نمود و با پذیرش ولایت مطلقه در قانون اساسی اختیارات رهبری در اصل ۱۱۰ حصری نیست و رسیدگی استثنایی به مفاسد اقتصادی یکی از مصادیق اعمال قوه قضائیه تحت نظر ولایت امر می‌باشد (نعمتی، ۱۳۹۹، ص ۱۱). برخی دیگر چنین آورده‌اند که،



عدم استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی در حوزه قانونگذاری قضایی و درخواست حکم حکومتی برای قانونگذاری قضایی و اجرایی، در وهله اول منجر به تضعیف جایگاه رهبری و در وهله دوم منجر به متروک شدن قانون اساسی می‌گردد. (عباسی، عبدلی، ۱۴۰۰، ص ۱۹). لذا به نظر می‌رسد متولیان سیاست جنایی تقنینی در این زمینه می‌بایست در اسرع وقت با اصلاح قانون خلاءهای موجود را بر طرف و به این ابهامات پایان دهند

### ۳- چالش‌های فراروی سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی.

از آنجایی که مجازات اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور در رویه عملی محاکم رسیدگی کننده موجب بروز چالش‌های عدیده‌ای نیز شده است که ما در مباحث زیر به مهمترین چالش در این زمینه خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱- عدم همسویی سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی

موفقیت در مبارزه با جرم اخلال در نظام اقتصادی و رسیدن به عدالت کیفری در هر نظام حقوقی در گرو همسویی رویکرد سیاست جنایی قضایی با خواسته‌ها و اهداف سیاست جنایی تقنینی است به عبارتی اهداف و اراده قانونگذار در اجرای کامل قوانین کیفری توسط دستگاه‌های قضایی و انتظامی نمایان می‌شود. و چنانچه در رویکرد متولیان سیاست جنایی تقنینی و قضایی انطباقی وجود نداشته باشد و یا متزلزل گردد بدون شک امر مقابله با جرایم مختل و از مسیر خود خارج می‌شود به ویژه زمانی که قانون از نظر توجیه اجرای مجازات منطبق و هماهنگ با باورهای متولیان دستگاه عدالت کیفری به ویژه قضات که متاثر از افکار عمومی جامعه هستند نباشد آن قانون تبدیل به قانونی خنثس و ناموفق خواهد شد تعیین کیفر از چالش بر انگیزترین حوزه‌های حقوق کیفری محسوب می‌شود انتخاب و اتخاذ کیفر مناسب و متناسب با جرم ارتكابی توسط قضات کار ساده‌ای نیست و همواره از دغدغه‌های قضات می‌باشد چرا که نتیجه یک دادرسی منصفانه در صورتی قابل توجیه است که کیفری متناسب تعیین شود و قانونگذاران و سیاست‌گذاران و اصحاب پرونده زمانی دادرسی کیفری را مطلوب می‌دانند که انتظارات آنها را در حوزه کیفردهی تامین کند (مهر، همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷). قانونگذار ایرانی در تعیین کیفر اعدام از میان الگوهای رایج در نظام کیفردهی نسبت به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور در امر کیفرگذاری از نظام کیفردهی معین و الزامی بهره جسته است و از کیفر اعدام به عنوان اصلی‌ترین ضمانت اجرا نام برده است و در موارد متعددی در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور و ق.م.ا، مجازات اعدام را پیش بینی نموده است ولی در عمل سیاست جنایی قضایی ایران در توسل به این کیفر همسویی چندانی با سیاست جنایی تقنینی ندارد و قضات رسیدگی کننده اعتقاد چندانی به کیفر اعدام ندارند. به نظر قضات کارایی کیفر اعدام مورد تردید می‌باشد و فاصله بین سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی می‌شود و پیشنهاد برخی از قضات صادر کننده احکام اعدام مبنی بر تبدیل آن به حبس ابد گزینه‌ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می‌شود. (رحمدل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵). حتی برخی بر این باورند که، فرقی نمی‌کند مجازات اعدام باشد یا حبس ابد. با این حال، کیفر حبس ابد جایگزین بهتری برای مجازات اعدام خواهد بود. چرا که اهداف مورد نظر از مجازات را بهتر تامین می‌کند، هر چند در طول مدت حبس ابد، محکوم فرصت دارد تا به جرم خود فکر کند و تا پایان عمر با احساس گناه زندگی کند. و در برخی موارد بهترین راه جایگزین است (Aizhan Serik, ۲۰۱۹, p۳۲). بدین‌سان در رویه قضایی، قضات دادگاه‌های ویژه علی‌رغم احراز اخلال کلام در نظام اقتصادی، با انواع تفاسیر از اعمال و صدور کیفر اعدام برای بزهکاران اقتصادی احتراز می‌کنند و موضوع مهمی که باید بدان توجه داشت این است که سیاست کیفری ایران

در توسل به کیفر اعدام برای مرتکبین جرایم اخلال در نظام اقتصادی کشور تا چه میزان بر بازدارندگی از این جرایم تاثیرگذار بوده است؟ با وجود صدور احکام اعدام آیا نرخ دلار و سکه کنترل شده است؟ به نظر حقوق جزا کارایی بسیار محدودی دارد کارکرد حقوق جزا در این حد است که افراد تصور کنند با جرم مقابله و امنیت به جامعه برگشته است و این بازگشت امنیت فقط جنبه ذهنی دارد و فاقد جنبه عینی است لذا در برخورد با مفاسد اقتصادی دستگاه قضایی صرفاً می‌تواند شاکله‌ای ایجاد کند تا مردم احساس امنیت در حوزه اقتصادی کنند. به نظر می‌رسد اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور امری ضروری است و صرفاً با توسل به ابزارهای کیفرمدار آن هم از نوع سختگیرانه محض نمی‌تواند وضعیت وخیم اقتصادی حاکم بر کشور را بهبود بخشد.

### ۳-۲- ابهام در مصادیق اخلال در نظام اقتصادی کشور

از جمله چالش‌های مهم دیگر که قضات رسیدگی کننده در دادگاه‌های ویژه اقتصادی به جرم اخلال در نظام اقتصادی با آن مواجه هستند. وجود ابهامات زیاد در مصادیق اخلال و عنوان افساد براین رفتارها می‌باشد. این ابهامات هم در قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور در تعیین مصادیق اخلال در نظام اقتصادی و ماده ۲۸۶ ق م ا، در تسری عنوان افساد فی الارض به جرم اخلال و شمول مجازات اعدام مشهود است. علاوه از ابهامات اساسی در مبانی و مستندات فقهی عنوان افساد فی الارض در فقه امامیه.. نکته مهمی که وجود دارد آن است که ماده ۲۸۶ ق م ا، در مقام نسخ قوانین قبلی از جمله ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور که مجازات اعدام را برای رفتارهایی که ارتکاب آنها با جمیع شرایطی که منجر به اخلال عمده اقتصادی گردد نمی‌باشد بلکه قانونگذار در ماده ۲۸۶ ق م ا، در مقام توسعه مفهوم عنوان مفسد فی الارض به مصادیقی است که قوانین خاص قبلی آنها را در بر نگرفته است. (برهانی، ۱۳۹۴، ص ۳۸). از سوی دیگر باید گفت که این ماده عام است و قانون اخلال‌گران قانونی خاص و عام لاحق نمی‌تواند ناسخ خاص سابق باشد است و به نظر هر دو ماده به اعتبار قانونی خود بر قرار می‌باشند. هر چند برخی معتقدند که، هنوز این ابهام وجود دارد که ماده ۲۸۶ ق م ا به طور کل این بخش از قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور را نسخ کرده است. (زراعت، ۱۳۹۴، ص ۲۸۲). قانونگذار در ماده ۲۸۶ عبارات کلی و واژه‌های ابهام بر انگیزی را به کار گرفته است. و سیاق نگارشی آن بسیار تفسیر بردار می‌باشند. عباراتی مانند، به طور گسترده، «موجب اخلال شدید»، «ورود خسارت عمده» که گسترده قید رفتار مجرمانه است و اخلال شدید و خسارت عمده و اشاعه در حد وسیع، قیدی است که ذبح نتیجه مجرمانه صدق می‌کند. و هیچ‌گونه ملاک و معیار روشنی در جهت احراز و شناخت این عناوین وجود ندارد و به نظر مطابق با تبصره ماده ۲۸۶، تشخیص و احراز این امور با قاضی رسیدگی کننده می‌باشد که به عنوان مثال اگر قصد اخلال گسترده در نظم عمومی اشاعه فساد در حد وسیع و علم مرتکب بر موثر بودن اقدامات انجامی را احراز نکند به جای صدور حکم اعدام مجازات تعزیری تعیین می‌گردد و روشن نبودن عبارات به کار گرفته شده در قانون و تعویض اختیار به قضات رسیدگی کننده در تفسیر و تشخیص مصادیق افساد فی الارض در رویه قضایی محاکم ویژه اقتصادی موجب سوء برداشت و ارائه انواع تفاسیر شخصی را برای قضات رسیدگی کننده را فراهم نموده است. و موجب عدم اتقان آراء صادره نیز می‌گردد. به عنوان مثال در دادنامه صادره از شعبه دوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی، عنوان اتهامی متهمان ردیف‌های اول و دوم، آقای وحید مظلومین (سلطان سکه) و محمد اسمعیل قاسمی، مطابق با کیفرخواست صادره، افساد فی الارض از طریق سردستگی و تشکیل شبکه فساد و اخلال در نظام اقتصادی و ارزی و پولی کشور با انجام معاملات غیر قانونی و غیر مجاز ارز و سکه و قاچاق عمده ارز از کشور در حد کلان، تشخیص و منطبق با ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و بند الف

ماده ۱ و ماده ۲ قانون اخلال گران در نظام اقتصادی کشور حکم بر محکومیت آنها به کیفر اعدام در ملاعام و ضبط اموال ناشی از ارتکاب جرم صادر گردید است. که با تجدید نظر خواهی متهمان پرونده در شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور مطرح می گردد که با تفسیری متفاوت از شعبه بدوی مجازات اعدام را تایید نموده است.

در تحلیل دادنامه های مزبور در تطبیق عناوین اتهامی متهمان فوق، چند نکته و ایراد اساسی وجود دارد، در دادنامه بدوی به قانون اخلال گران در نظام اقتصادی کشور استناد شده است. ماده ۲ این قانون، قصد و انگیزه معینی را برای تعیین عنوان مجرمانه قائل شده است و این انگیزه اساساً اقتصادی نیست بلکه اقتصاد و اقدامات ارزی و مالی و امثالهم روش هستند برای تحقق هدف، یعنی متهم باید قصد ضربه زدن به نظام یا قصد مقابله با آن و یا علم بر موثر بودن اقدام را داشته باشد و چنانچه به حد افساد فی الارض برسد مرتکب به مجازات اعدام مجکوم می شود. لذا این اهداف که در دادنامه بدوی مبنای کیفر اعدام قرار گرفته است. کاملاً امنیتی و سیاسی می باشد. هر چند که در قانون روش های عمل کاملاً اقتصادی توصیف شده اند. در این قانون اعدام مرتب بر عنوان افساد شده است و معلق بر شرطی بوده که در عالم خارج تنجز حقوقی نداشت ولی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در ماده ۲۸۶، عنوان افساد فی الارض گنجانیده شد و افساد را تعریف کرده است هر چند خود این عنوان هم قائم بر عناوین دیگری شده و جرم انگاری جدیدی در این ماده نیز ملاحظه نمی شود. و صرفاً چنانچه رفتار مجرمانه تثبیت شده ای به صورت گسترده باشد عنوان مجرمانه، قلب عنوان پیدا می کند و مشمول عنوان افساد می گردد در این ماده تصریح شده است به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور یا ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد و... در حد وسیع گردد، و از گستردگی به رفتار و واژه وسعت به نتیجه بر می گردد. بنابراین عمل گسترده ای که نتیجه وسیعی دارد پس امر افساد در ماده ۲۸۶، قائم بر نتیجه است و نتیجه اخلال در نظم عمومی کشور است. و از طرفی در مفهوم اخلال در نظم عمومی نیز ابهام وجود دارد و مفهوم روشنی در قانون برای آن تعریف نشده است. موضوع مهم دیگر این است که باید از تبصره ماده ۲۸۶ نیز مفهوم گرفت این تبصره به صورت سلبی به قصد و انگیزه متهم پرداخته است پس در صدق عنوان افساد قصد و انگیزه خاص در اخلال گسترده در نظم عمومی به نحو مفهومی لازم است، در این دادنامه قضات رسیدگی کننده از یک طرف به قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور و از طرفی دیگر به ماده ۲۸۶ در باب افساد استناد کرده اند در حالی که در قانون اخلال گران قصد براندازی لازم است ولی در ماده ۲۸۶ وجود چنین شرطی لازم نیست در ماده ۲۸۶ وجود نتیجه مسلم یعنی اخلال در نظم عمومی کشور لازم است ولی در قانون اخلال گران چنین شرطی نیامده است و حال چگونگی باید این دو قانون را با یکدیگر جمع کرد، و سپس نتیجه بگیریم که آیا در خصوص متهمانی که در این پرونده به مجازات اعدام محکوم شده اند این شرایط محقق و محرز بوده است یا نه؟ دادنامه های با دو چالش جدی مواجه هستند در خصوص استناد شعبه بدوی به قانون اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، دادگاه باید قصد متهمان در مقابله با نظام جمهوری اسلامی را احراز می نمود این در حالی است که عموماً کسانی دنبال فعالیت های اقتصادی هستند دنبال سود بیشتر نیز هستند و سودآوری بستری متفاوت از حکومت را دارد و چنانچه حکومت این بستر را برای فعالیت های اقتصادی ولو نامشروع توسط متهمان پرونده را فراهم نموده است طبیعتاً متهمان علاقمند به تداوم این بستر خواهند بود بنابراین در این پرونده قصد مقابله با نظام موضوعیت چندانی ندارد و به نظر وجود قصد براندازی یا مقابله با نظام در متهمان بسیار بعید می نماید و چنانچه مستند صدور حکم اعدام در این پرونده ماده ۲۸۶ ق م ا، باشد می بایست قصد و انگیزه مقرر در تبصره ذیل ماده را احراز می گردید. کما اینکه شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور در دادنامه صادره خود، با قرائن موجود در پرونده به دنبال احراز قصد اخلال در متهمان آن هم به صورت سلبی بوده است و چنین تصریح شده است که متهمان

نمی‌توانند قصد افساد یا قصد براندازی نداشته باشند در حالی که چگونه می‌توان با این عنوان که نمی‌توانند این قصد را نداشته باشند به صورت سلبی قصد متهمان را احراز نمود چرا که با وجود اختلاف نظرهایی که در عبارات قانون و تفاسیر مختلفی که در این خصوص وجود دارد می‌بایست در صدق عنوان افساد و صدور حکم اعدام در این نوع از پرونده‌ها احتیاط شرعی و حقوقی و تأمل بیشتری به عمل می‌آمد.

### ۳-۳- محدودیت در حق دسترسی به وکیل

یکی از مهمترین چالش‌هایی که رویه قضایی کشور در رسیدگی به جرایم اخلال در نظام اقتصادی با آن مواجه است. عدول از برخی از اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در فرآیند دادرسی در محاکم ویژه اقتصادی می‌باشد. اقتضای حاکمیت دادرسی منصفانه در گرو رعایت تضمینات مربوط به حقوق دفاعی متهمان در دادرسی کیفری می‌باشد و هرگونه تعدی و تجاوز به آن موجب خدشه به اساس برقراری دادرسی منصفانه می‌شود. به جرات می‌توان گفت یکی از مهمترین شاخصه‌های حاکمیت دادرسی منصفانه حق دسترسی متهم به وکیل مدافع مستقل می‌باشد فراهم نمودن امکانات دفاعی در جهت تضمین حق دفاع برای متهم، از جمله حق برخورداری از خدمات وکیل مدافع در کلیه فرآیند دادرسی کیفری به ویژه در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. در نظام حقوقی ایران اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری بر حق انتخاب وکیل برای طرفین دعوا تاکید شده است. در خصوص برخی از جرایم مهم مانند اخلال در نظام اقتصادی کشور حق بهره‌مندی از داشتن وکیل به ویژه در مراحل آغازین فرآیند دادرسی کیفری با محدودیت‌هایی مواجه می‌باشند. و برای توجیه آن به پیچیدگی فرآیند ارتکاب جرایم اقتصادی و حرفه‌ای بودن و عدم همکاری مرتکبین که تحصیل دلیل برای مقامات تعقیب را دشوار می‌سازد استناد می‌شود. در تبصره ماده ۴۸ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ قانون‌گذار برای جرایم اقتصادی سازمان یافته که مجازات قانونی آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون باشد. در مرحله تحقیقات مقدماتی متهم باید وکیل خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضائیه باشد انتخاب کند. این الزام متهم به انتخاب وکیل توسط حاکمیت، نوعی محدودیت در انتخاب آزادانه وکیل و تحدید حق دفاع متهمان تلقی می‌شود هر چند مفاد تبصره یاد شده در دادگاه‌های ویژه اقتصادی به موجب بند ۵، اصلاحیه استجازه رهبری برطرف گردید ولی همچنان محدودیت در مرحله تحت نظر و تحقیقات مقدماتی پا برجا می‌باشد. و این رویه در بسیاری از پرونده‌های که اتهام متهمان اخلال در نظام اقتصادی کشور که مجازات قانونی آن کیفر اعدام می‌باشد تداوم یافته است. به عنوان مثال، در پرونده متهم آقای وحید مظلومین، حق دسترسی به وکیل انتخابی سلب شده است. هر چند برخی ضمن اعتقاد بر اعمال محدودیت در حق دسترسی متهمان جرایم اقتصادی در انتخاب وکیل معتقدند که، ایجاد محدودیت در حق دسترسی و حضور موثر وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی جرایم اقتصادی به معنای مجال دادن به دادستان به عنوان یک طرف دعوی کیفری برای پیروزی برطرف دیگر یعنی متهم نمی‌باشد بلکه این محدودیت در راستای تحصیل دلیل در جهت کشف جرایم اقتصادی و تعقیب متهمان این جرایم می‌باشد (شریفی، شیدائیان، ۱۳۹۶، ص ۱۶۰). اما در مقابل باید گفت مفاد تبصره ماده ۴۸ قانون یاد شده که مبتنی بر رویکرد امنیت محوری در جرایم اقتصادی در دسترسی سریع به وکیل تعیینی خود در تعارض با اصل ترافعی بودن تمامی مراحل دادرسی کیفری و ۳۵ قانون اساسی و قانون احترام به آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی و اعمال این محدودیت نقض اصل برائت را در پی خواهد داشت.

## نتیجه گیری

علی‌رغم تمامی تلاش‌های نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد که با تصویب اسناد بین‌المللی، درصدد الغا و تحدید کیفر اعدام بوده است هنوز در سطح دنیا اجماع کاملی بر الغای کیفر اعدام حاصل نشده است. و مهمترین سند الزام‌آور جهانی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد که مقررات نسبتاً کاملی در آن گنجانیده شده است. میثاق مجازات مزبور را در کشورهایی که هنوز کیفر اعدام را حفظ نموده‌اند مشروط به شرایطی از جمله مهمترین جنایات نموده است. از نظر مجامع بین‌المللی حقوق بشری توسل بیش از حد نظام عدالت کیفری ایران به مجازات اعدام در مقام کیفرگذاری و کیفردهی، نقض فاحش حقوق بشر قلمداد می‌شود و در همه قطعنامه‌ها، و بیانیه‌های صادر شده که جنبه‌های سیاسی آن بر جنبه‌های حقوقی آن غلبه داشته است. البته به نظر می‌رسد نتایج حاصل از کاهش آمار جرایم در کشورهایی که مجازات اعدام را از سیاهه قوانین کیفری خود حذف کرده‌اند را نمی‌توان به سایر نظام‌های حقوقی که هنوز این کیفر را حفظ نموده‌اند تعمیم داد و به همان نتایج دست یافت چرا که میزان بازدارندگی مجازات‌ها امری نسبی بوده و به عوامل دیگری نیز بستگی دارد مضافاً با توجه بر تنوع نظام‌های حقوقی و ساختار سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و... کشورها نیز از همدیگر متفاوت می‌باشد.

سیاست جنایی کشور در فرآیند دادرسی جرم اخلال در نظام اقتصادی در قبال کیفر اعدام، با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو است به نحوی که، سیاست جنایی تقنینی و قضایی همسویی چندانی ندارد و وجود ابهامات در مفهوم اخلال و عدم تبیین دقیق مصادیق افساد فی‌الارض و چگونگی تحقق آن با ملاک‌های معین در قانون موجب تفاسیر شخصی و بعضاً موسع و عدم اتقان آراء صادره در محاکم ویژه اقتصادی گردیده است و از طرفی متولیان نظام عدالت کیفری، با اتخاذ رویکردهای امنیت‌گرا اقدام به اعمال محدودیت در موازین حاکم بر دادرسی منصفانه از جمله سلب حق بردسترسی متهمان به وکیل در دادرسی این جرایم گردیده است.

## پیشنهادها

۱- صرف بکارگیری پاسخ‌های کیفری سرکوبگرانه مانند اعدام در مبارزه با جرایم اقتصادی کلان چندان موثر واقع نشده است. پیشنهاد می‌شود متولیان سیاست جنایی کشور با جلب نظر نخبگان و متخصصین امر با اصلاح قوانین و رفع ابهامات در جنبه‌های ماهوی و شکلی این جرایم با تغییر رویکرد در نظام کیفرگذاری و کیفردهی، موضوع مقابله با این جرایم و بزهکاران حرفه‌ای آن را هدفمند نمایند.

۲- از آنجایی که کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی در نظام حقوقی ایران از مبانی فقهی مستحکمی برخوردار نمی‌باشد بنابراین تا زمان اصلاح قانون، متولیان نظام عدالت کیفری با در نظر گرفتن تمامی جوانب از جمله موازین حقوق بشری و رعایت اصول حاکم بر دادرسی منصفانه در فرآیند دادرسی کیفری این جرایم و با در نظر گرفتن عدم کارایی کیفر اعدام در پیشگیری از تکرار این جرایم و با به کار گرفتن مبانی فقهی اصل احتیاط در دماء، قاعده درء‌اقدام به تحدید دامنه مجازات اعدام و در هر مورد انطباق کیفر اعدام را با معیار شدیدترین جرم مورد سنجش قرار گیرد و با تفاسیری مضیق مانع از بسط و توسعه آن شوند و به جای این کیفر از مجازات‌های جایگزین (حبس ابد) بهره گرفته شود که با اهداف مجازات‌ها نیز سازگارتر باشند.

## فهرست منابع

## قرآن کریم

## منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام، صادق نژاد نائینی، مجید. (۱۳۹۲). تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. دوره ۲، شماره ۴. ص ۹۲
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ انتشارات میزان.
- برهانی، محسن. (۱۳۹۴). فساد فی الارض؛ ابهام مفهومی، مفسد عملی (تحلیل حقوقی ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی)، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دوره ۲، شماره ۲. ص ۳۸
- پزشکی، محمدجواد، رضانی، احمد، گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۹). اجرا یا عدم اجرای حدود در زمان غیبت با مطالعه تطبیقی در حاجی‌ده آبادی، محمد علی، سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸، شماره ۲۹ ص ۱۲۱
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۶). تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر. دوره ۷، شماره ۱ ص ۱۰۵
- زراعت، عباس. (۱۳۹۴). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ساریخانی، عادل، آقابابایی، اسماعیل. (۱۳۹۳). مستندات فقهی اعدام تعزیری. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۸. ص ۱۹
- شریفی، عبدالحمید، شیدائیان، مهدی. (۱۳۹۶). «الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهم، با نگاهی به جرایم اقتصادی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، دوره ۱۱، شماره ۱۱ ص ۱۶۰
- صلح‌چی، محمدعلی، نصیری، شهریار. (۱۳۹۷). مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین عباسی، بیژن، عبدلی، امیر عباس. (۱۴۰۰). ابعاد حقوقی استیذان رئیس قوه قضائیه از رهبری در برخورد با اخلالگران در نظام اقتصادی، فصلنامه دانشنامه‌های حقوقی. دوره ۴، شماره ۱۲. ص ۱۹
- غلامی، حسین. (۱۳۹۶). کیفرشناسی، کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- کمیلی، محمدرضا، دانشور ثانی، رضا، گرایلی، محمدباقر. (۱۴۰۰). ماهیت جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوقی. دوره ۱۵، شماره ۴۳ ص ۱۸
- محقق قمی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). جامع الشتات، چاپ اول، انتشارات کیهان

میرخلیلی، سید محمود، حیدری، مسعود. (۱۳۹۸)، *بررسی مبانی فقهی اعدام مجرمان اقتصادی*، دو فصلنامه فقه مقارن. دوره ۷، شماره ۳ ص ۹۴

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۲). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان.

میرمحمد صادقی، حسین. (۱۴۰۱). *حقوق جزای بین الملل*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات میزان.

نسرین مهرا، قورچی بیگی، مجید، موذن، عباس. (۱۳۹۶). *تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. دوره ۶، شماره ۲۰ ص ۱۰۷

نعمتی، مژگان. (۱۳۹۹). *آسیب شناسی آیین دادرسی کیفری مفاصد اقتصادی در دادگاه های ویژه (موضوع استجازه از رهبر معظم انقلاب اسلامی)*. چاپ اول، پژوهشگاه قوه قضائیه.

### منابع عربی

الموسوی خمینی، سیدروح الله، (۱۳۹۷)، *تحریر الوسيله*، جلد دوم، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

شوشتری، سید محمد حسن مرعشی (۱۴۲۷ ه ق) *دیدگاه های نو در حقوق* « دو جلد، نشر میزان، تهران - ایران، دوم

گلبایگانی، موسوی سید محمد رضا ۱۴۱۲ ه ق، *الدر المنضود فی أحكام الحدود*، ۳ جلد، دار القرآن الکریم، قم - ایران، اول،

محقق قمی، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، *جامع الشتات*، چاپ اول، نشر کیهان.

مؤمن قمی، محمد، (۱۴۱۵ ه ق) *کلمات سدیده فی مسائل جدیده*، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول،

### منابع لاتین

Andrew C. Byrnes. (۲۰۰۹). *The Right to Life, the Death Penalty and Human Rights Law: International and Australian Perspective*. Confeoning The Death Politics and Principle. pp ۲۶-۴۵. Acsjc. ۲۰۰۷. Unsw Law. No ۲۰۰۷-۶۶.

Aizhan Serik. (۲۰۱۹). *International Human Rights Law and The Death Penalty*. In *International and Economic Relations*. State University of New York. Empire College.

Annual report of the United Nations High Commissioner for Human Rights and reports of the Office of the High Commissioner and the Secretary-General. *Question of the death penalty* ۱۳ September-۱ October ۲۰۲۱. Agenda items ۲ and ۳.

Caroline L. Payne and M. Rodwan Abouharb. (۲۰۱۵). *The International Covenant on Civil and Political Rights and the strategic shift to forced disappearanc*. *Journal of Human Rights*. //VOL. ۱۵, NO. ۲, ۱۶۳-۱۸۸.

Devita Kartika.Putri.(۲۰۲۰).Interpreting Most Serious Crimes Under Article ۶(۲) Oficcpr. Criminal Law Departement, Faculty of Law, *Universitas Gadjah MadaJalan Sosio Yustisia, Bulaksumur, Depok, Sleman, D.I. Yogyakarta ۵۵۲۸۱*

Giulio Carlo. Venturi.(۲۰۱۶) The Death Penalty. *Venturi at University of Padova*

Rudolf Hnidka.(۲۰۱۶) European perspective and legal framework of death penalty. *Izzivi prihodnosti / Challenges of the Future*. volume ۱, številka / number ۴, str. / pp. ۱۵۹-۱۷۱.

Richard C. Dieter(۲۰۰۲) *The Death Penalty and Human Right U S. Death Penalty and International Law*.

T.R.Galappaththige.(۲۰۱۸). Death Penaalty:An Intrnational Huiman Rights Perspective South East Asia Journal of Contemporary Business, *Economics and Law*, Vol. ۱۷, Issue۴(December) ISSN.۱۵۶۰-۲۲۸۹.

Tara N. Richards &M. Dwayne Smith.(۲۰۱۵). *Current Issues and Controversies in Capital Punishment.. American Journal of Criminal Justice* ۴۰(۱):۱۹۹-۲۰.

William A Schabas ,(۲۰۰۲), *The Abolition of the Death Penalty in International Law Cambridge University Press, United Kingdom*.



## Jurisprudential and legal feasibility of abolishing the death penalty for the crime of disrupting the economic system in Iranian law with an emphasis on judicial procedure

Jibraeil Nozohor Amanab<sup>۱</sup>, Anahita Seifi<sup>۲</sup>, Reza Fani<sup>۳</sup>.

### Abstract:

The death penalty is considered to be one of the most challenging legal issues, as some legal systems have abolished this punishment under the influence of international and regional human rights documents, but some still apply it to serious crimes and there is a consensus on its general abolition worldwide. not achieved Therefore, according to the importance of the death penalty, the present research with a descriptive and analytical method does not answer the question, is there a possibility of abolishing the death penalty in the crime of disruption in Iran's legal system? The findings of this research show that the legal basis of criminalization and the imposition of the death penalty in the said crime is based on the general title of the limit of corruption in the land and does not have reasonable jurisprudential standards. In addition, the judicial procedure in dealing with the said crime has challenges such as ambiguity in the examples. , the inconsistency of the legislative criminal policy with the judicial criminal policy, limits the standards of fair trial and defense rights of the accused. The result of this research shows that in terms of jurisprudential and legal rules and principles, including the principle of caution, the rule of law, the principles governing criminal law and the necessity Considering the standards of human rights, the death penalty as a repressive criminal response should be an exception and limited to the most important cases and should not be expanded with a broad interpretation.

**Key words:** economic crimes, execution, disruption of the economic system, corruption in the world, judicial procedure

<sup>۱</sup> . Jibraeil Nozohor Amanab, PhD student in criminal law and criminology, Ardabil Branch; Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

<sup>۲</sup> . Anahita Seifi; Assistant Professor, Department of Women's Law Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran; (Corresponding author)

<sup>۳</sup> . Reza Fani, Assistant Professor of Law Department, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan; Tabriz; Iran .

